

زندگىنامە



۱۵خرداد،انقلابومبارزهدرگفتوگوبامحمدعلی ابطحی

## مهمترين گزينه پيشروي ما داوطلبی برای انقلاب در خانواده است

## ﴾ بهترين برنامه داوطلبانه مي تواند تقويت نهاد خانواده ازطريق ايجاد تفكر انقلابي متوجه به مسائل روز جامعه باشد

على باك ادامحمدعلى انطحي سيوانة انقلابي و میں ہوتورہ محسمتی ہیں۔ سیاسی کمی ندارد واز همان آغاز انقلاب تا پایان دورہ اصلاحات همیشــه از فعالان دولتی محسوب میشد. وبلاگ و و بخوشت زمانی پدیده بهروز و جوان پسند دولت خاتمی به شمار می رفت، دلیلش هم این بود که یک روحانی حرف دل مردم را در فضای سایبری می زد. یک روحانی حرف دل مردم را در فضای سایبری می زد. حال و هوای خرداد و ایسام ار تحال حضرت امام(ره) انگیزهای شدیرای گهی کوتاه در خصوص رابطه داوطلبی

آیامبارزهامریداوطلبانهاست؟

مبارزهانواع مختلفى دارد؛ گاهى بايد در عرصه سياس مبـــارزُه کنید و گاهی نیــُـز این امر در بســـُتر اجتماعی صورت مے گیر داما مبارزہ ماہیتا مے تواند بہعنوان یک امر داوطلبانه قلمداد شود. مبارزات اجتماعی شاید کم در دسر ترین مبارزات و در عین حال پر ثمر ترین آنهاباشد. ر در در کی در در کی کی در در کی کی در در در کی کی . همواره برای شروع و انجام یک مبارزه نیاز است یک لیدر وجود داشته باشد که دقیقا تمام نقشه یا مسیری که قرار ست طی شودرا گوشزد کند.

اماچرامی گوییم مبارزه یک امر داوطلبانه است؟ شاید به این دلیل که افراد باخواست و رضایت خودشان برای مبارزه در راه رسسیدن به اهداف و تبعسات احتمالی آن حاضر می شسوند و اقدام می کنند، هیچگاه در مبارزات مختلف شاهد نبودهایم که آفراد به اجبار دیگران حاضر به پرداخت هزینهای شوند و بدون میل شخصی در این رابطه تلاش کنند و خسار تهای ناشی از آن را پذیرا

## انگیزه های داوطلبی چگونه است که در طول زمان

دچار استحاله نمی شوند؟ فعالیت هــای داوطلبانه عمومــا انگیز ههای متفاوتی داردوبرای افسراد این موضوع حایز اهمیت است که نقاط مشترکی بین هدفشان و جریان مبارزاتی که در آن قرار می گیرند وجود دانسته باشد. برای شکل دهی ، خاص نیاز اُست که یک دغدغه معطوف ب یک جریان خاص نیاز اســت که یک دغدغه معطوف به هدف با انگیز مهایی خاص و همت افراد شــکل گیرد تا فعالیت های داوطلبانه آنها به ثمر نشیند. معمولا هنگام سقوط نظامها، خواستهای مشتر کی از طرف مبارزان یا همان داوطلبان مبارزه شکل می گیــرد. اهداف این مبارزات درمیان افراد داوطلباز گروههای مختلف عموما نقاط مشترکی را دربرمی گیرد که این نقاط بعداز تلاقی با يكديگر تبديل به يک هدف مشتر ک می شودو داوطلبان

دراین عُرصه به خواسته های خودمی رسند. برای مثال در انقلاب ۵۷ اکثریت مردم از هر تودهای داوطُلب بودند تًا رژيم فاسد أن زمان را شكُّ

ز گوشه باغ صدایی با بلندگو بلند شد. متوجه آن سو

وبه شعارهای مورد نظر خودشان دست پیدا کنند. اما ربه سسترسی بررد سر زاویههایی مشــترک بین مــردم از گروههای مختلف بود که باعث شــد همگی داوطلبانه از جای بلند شدند و بُرای هدفشــان مبارزه کردند و ارزش آفریدند. اما هر نعالیت داوطلبانــهای و تلاش برای رســیدن به اهداف مور د نظر آن؛ دلایل خاصی را با خصود به همراه دارد. در رر کری این این این این این این کردم این انتظاب ۵۷ و تلاش تودههای مردم برای تغییر شرایط، این دلایل عبارت بودند از فساد اجتماعی -اقتصادی ۔ ۔ ۔ عموماارزشھـادر زمان پیروزی یـکرخداد یا یک

یں ۔۔۔۔ ، رہ ۔ رہ ۔ و ممنوعیتهای متعددی که بر اقشـــار مختلف مردم صورت گرفته بود تا باعث شد مردم داوطلبانه دست به مباُرزُه بزننُدونتیُجه آن هم پیروزی ۵۷ بُود. در سـال ۵۷ ذهن نخبه های مااز وضع به وجود آمده توسط حاکمیت تاحدی آزردہ شدہ بود که این آزردگی بهُ ســطح جامعه و مردم رسّــيد و آنها هم دس در اکثر کشــورها و جوامــع اعتماد مردم نســ در الاثر نتسورها وجوامــع اعـماد.مرد، نخبههایشـــان بیشـــتر از حاکمیت آن کشور اســت. در کشــور ماهم این گونه

چُەشدگە1۵خرداُد آفرىدەشد؟

می بینید که یک رویداد مانند یک ستاره می درخشدوشاید عامل تمام رخدادها و تحولات ۵۰سال خیر ایسران بوده و آن قیام ۱۵ خرداد سسال ۴۲ اسست قيامي كه به اصطلاح رژيموقت سر كوب شدولي در اصل ين گونه نبود بلكه اينُ سركوب آغُازي نو براي تحوُلاتي عظیم در ایران بود. ۱۵ خرداد یک ضربه مهلک برای بدنه رژیم شاه بودو شاید تاثیر گذار ترین اقدام امام خمینی (ره)

بهُ نظر شماهنوزانقلابیماندن دشوار است؟ نقلابی ماندن نیاز به رفتار متناسـ حاكم بر جامعه شـــما دارد. در سال ۵۷ لازم بود كه شُما - ۱۳۰۰ بست سسب درد در سال ۱۳۰۰ در ۱۳۰۰ نقلابی باشید،به خیابان هابروید،اقدامهای عملی راانجام دهیدومبارزه کنیداماامروزاُنقلاییزیستن یعنی این که درجامعه مشکلات اجتماعی مختلف راببینید،برای حل نها سندىشىد و راوحل هاى مناسب ارايه دهيد تا براي ، "" " " نل مشکلاتی که شهر و کشـورمان با آن در گیر اسه مبارزهاى هدفمند صوِرتَ بگير د نيازهاى جامعه امروزما،

به گونهای که هر آنجه واقعیت داشیت، حتیی اگر بیان ب و دای ما برای به را بیان سخت می کرد، گوشزدمی کردو آن شرایط را برایشان که بعداز آن می تواند بیفتد نداشت، بُلکه توجه ایشان به این موضوع بود که مبادا اتفاقی رخ دهدیا جریانی شکل بگیرد که ارزشها و فعالیتهای داوطلبانه مردم را که در سال ۵۷ به ثمر نشسته بود؛ از

تحول عظيم اجتماعي، اصلى تُرين موضوع يا دستاورد پيروزي نيز قلمداد ميشود. انقلاب ما به خاطر داشتن رزشُهایی مشــترک میان مردمی که حاضر شدند به صورت داوطلبانه بــرای آنها تلاش کنند و جان دهند به ثمر رسيدو زماني هم كهارزشها يايدار باشدهر انقلابي یه مر رویت ی بر پی خود خواهده ایست دو مستحصر خواهد ماند. اما اگر روزی برسد که ارزشهایی که مردم به خاطر آن انقلاب کردهاند از میان برود، آن وقت است که نظاره گر مردمانی بی اعتماد و ناراضی

در حال حاضر و در میان اکثر مردم ایران، یکی از مهم ترین تحولات تاریخی کهدارای اهمیت بسیار است، شکل گیری و وقــوع انقلاب ســال ۵۷ اســت. اما اگر واقع بینانه و با نگرشــی کارشناســی به رخدادهای ۰۵سال اخیر ایران دقت کنید،

در طول تاریخ حیاتشان همان قیام ۱۵ خر داد باشد.

د شــعارهای آن روزها و اقدامات سال ۵۷ نید

. ستفنگ کردند و مجدد به حمله و یورش خود ادامه دادند چون میدان کمی آرام شد، دوباره نزدجسد شهید

بلکه امروز نیاز به آرامش برای حل مشکلات اقتصادی و بیده امورویتر به اراسی برای مستدات هستندی معیشت مردم داریم، از این رواست که امروز هم می توان انقلابی ماند و برای بهتر زیستن مردم تلاش کرد امورز انقلابی کسبی است که تمام آخاد مردم و قشــرهای مختلف را در ک کند و نیازهای امروز آنها را بشناســدو برای فع آن تلاش کند به نظر من در آن سال ها تنها یک ر کاری کی دی . قشر خاص نبود که انقلاب کرد یا در جبهه ها حاضر شد بلکه تمامی آحاد مردم بودند که در این راه قدم بر داشتند . و هزینههای بسیار پرداخت کردند و امروز هم باید همه مردماز منافع نظام بهره ببرند.

نقش انقلاب در تحول نهادخانواده چگونه است؟ در آن زمان انقلاب از درون خانوادهها به بیرون سرایت کردو به ثمر نشست. اما نکته قابل توجه این است که خانوادههای ایرانی امروز دگر گونی های زیادی را متحمل شدهاند، تغییرات زیادی در سطح جامعه به وجود آمده است و همین امر باعث شده نابسامانی ها و نابهنجارهای زیادی را شــاهد باشــیم. خانوادههای ایرانی امروز اسیر نکنولوژی شدهاند. البته تکنولوژی بد نیس ر رری ------- بید صنوبوری بد نیست ه برای ها ایرانی ها که خانواده و اهمیت آن ریشه در فرهنگ غنی گذشـــتهمان دارد، ورود تکنولــوژی موجب دور شــدن اعضای خانواده نُسبتُ به هم شــده است. خانواده ایرانی زمانی زبانزد خاص و عام بوده است اما فکر می کنم امروز ین نهادبااهمیت، جایگاه اصلی خودر ااز دست داده است. . نی در خانوادههای امروزی به ُ خُوبی دیده میشود. دیگر تحکم پدران درخانواده به خوبی نمودپیدانمی کند دیگر تحکم پدران درخانواده به خوبی نمودپیدانمی کند شاید بهترین برنامه داوطلبانه می تواند تقویت نهاد خانواده از طریق ایجاد نفکر انقلابی متوجه به مسائل روز جامعه باشد شايديكي ازمهم ترين اقدامات انقلابي مادر بست بست یکی رسیمهرارین دوران امروز، تلاش برای ایجاد تغییر و تحول در خانواده ایرانی استباحر کتبه سمتخانوادهای مستحکم.

------روز مبنای کار ما مشـخص اسـت و آن هم ایجاد سرورر سبی حرب است. اصلاحات ر تمام سطوح نظام است.این که افراد مسئول داخل نظــام و در تصمیم گیری هایشــان اصلاحات را مبنای کار خود قــرار دهند. تفکــر اصلاحات هیچگاه . بر براندازی نظام نداشته است بلکه همواره بحثی که در میان اصلاح طلبان مطرح می شده به این گونه بوده است که نظام را تقویت کنندو سعی بر استحکام بیشتر آن داشته اند اصلاحات در نظر دارد که نظام ایران برای جهانیان دارای وجه مطلوبی باشد و آنچنان که شایسته یم سین درده شـود. از این رو تمامی اصلاحطلبان بر آن اسـت، دیده شـود. از این رو تمامی اصلاحطلبان بر این عقیده هســتند که ایران باید کشوری بامناسبات و پتانسیلهایجهانیبرایسایرینقلمدادشود.

امروزبايدچەكرد؟

روحانى مبارز شهيدسيديونس حسينى رودبارى اولين شهيدانقلاب

> تاريخ تولد: ١٣١١/٧/١١ محل تولد: روستای آغوزبن رودبار وضعیت تأهل: مجرد علـت شـهادت: ضرب و شــتم توســ کماندوهای رژیم پهلوی تاریخ شهادت: سال ۱۳۴۲ محل حادثه: قم(مدرسه فیضیه)

لطف و مهر الهي در يازدهمين روز از مهرماه سال ۱۳۱۱ هجری شمسی با به دنیا آمدن نـوزادی در خانواده میرمحمدعلی حسینی نمود عینی یافت و این خانواده را که با پیشـه کشاورزی در بستری از تدین و دینداری در تهیدستی و فقر مادی روزگار می گذرانید؛ با تولد کودکی غرق در مسرت و شادمانی کرد. میرمحمدعلی، این کشاورز «رودباری» با

سیاس از الطاف الهی در اولین گام از تربیت و پرورش ایس فرزنید او را همنیام «یونس» یکی از پیامبران الهی نامید تیا رهرو انبیاء و یسی رپیسبرای بهی است در اراد اعتسالای کلمه الحق صدیقین و شهدا در راه اعتسالای کلمه الحق و التوحید باشد. سپس در عین عسسرت و فشار اقتصادی از سرمایه گذاری در راه کمال و تعالَمی او هیچ نکتُمه ای را فُروگُمنار نکرد. همین اهتمام و توجه باعث شـد سید یونس نه تنها برای خانواده و منطقه که بعدها برای اسلام و ایران افتخار آفرین باشد و موجبات سـربلندی و عزت و مباهات شود. سید یونس نوجوانی دوازده سـاله بود کــه در مکتبخانه زاُدگاُهـشُ زَيرنظـر ميرزابــلال طالقاني به فراگرفتن قــرآن پرداخت و چــون از هوش و ستعدادی سرشار برخوردار بود در فراگرفتن این کتاب الهی به سرعت پیشرفت کرد. استعداد سرشار ایشان در این راستا توجه ستندان سراسی را پیستان در این راست توجه سیدرحمان سیاهپوش قزوینی را که در ایام محرم و صفر و ماه مبار کر ومضان به رودبار می آمد و در روستای آغوزین به منبر می رفت، به خود جذب کرد و شیفتهاش ساخت تا از میرمحمدعلی با اصرار تقاضا کند که اجازه بدهُد برای ادامه تحصیلُ سیدیونس را با خود به قزوین ببرد و اگرچه تنگدســـتی خانواده و به قزوین ببرد و اگرچه تنگدستی خانواده و عدم تـوان پرداخت هزینـه تحصیلی نزدیک بود کمه او را از این فرصتی کمه برایش پیش أمده استُ، مُحروم سازد ولي كمك مردم روستا و مساعدت و پافشاری سید قزوینی بر این مهم غالب آمد و بدین ترتیب، سید یونس برای تحصیل به قزوین رفت. دوسال در یکی از حوزههای علمیه قزوین به تحصیل علومدینی همت گماشت و در این زمینه به بیشرفت بسیار چشمگیری دست یافت. پس ز سپریشدن این سالها با ضیاء باقری، طُلبهای که هم حجرهای او بود و از روستای کلیشم رودبار به قزوین آمده بود، عازم مشهد مقدس شُد تا در حُوزههای علمیه آن جابه تحصیلات خود ادامه دهد و از معضر درس استادان آن حوزهها استفاده کند. نزدیک به دوسال در مشهدالرضا(ع) تحصیل خود را دنبال کرد. در این فاصله با بالا گرفتن معرفت علمی و ایمان قلبیاش فعالیت سیاسی ایشان علیه نظام شاهنشاهی نیز شروع شد. گستردگی فعالیت سیاسی وی در این راستا باعث شد که توسط ساواک دستگیر شود و مورد شـکنجه ُقرار گیرد. ُ شـدت شکّنجُه به اندازهای بودکه ایشان حتی از نوشتن نیز رای مدتی محروم می ماند. سیدیونس وقتی که جهت مـداوا به پزشـک مراجعه می کند

ېزشک معالج خطاب به ايشان مي گويد: شما حکومت چه کار دارید؟ سیدیونس در پاسخ ر حرید، سیدیوس در پاسخ می گوید: قرآن به ما دستور داده است که با ظلم و ستم مبارزه کنیم. سید هنوز کاملا بهبودی خود را بهدست نیاور ده بود که دوباره ساواک به سُـراغ او می آید و این بار به چابهار تبعید میشود. پس از پایان اقامت اجباری او در بندر چابهار که ســه ماه بهطول میانجامد به زادگاه خویش برمی گــردد. مدت کوتاهی از بازشستن او به رودبار نمیگذرد که جهت ادامه تحصیل تصمیم میگیرد به قم عزیمت کندو در مدرسه فیضیه آنجا به مراتب علمی خویش بیغزایسد. خانواده مخالفت میکند ولـــی او در تصمیم خود پابرجا و قاطع اس در آستانه خروج سید از منزل، مادرش به او می گوید: «پسرم! شما را می کشند و مردم، ما را سرزنش می کنند. سیدیونس به مادر پاسخ می دهد: «هر کس بعد از شهادت من، شما را سرزنش کرد مقاومت کنید و از این که چنین فرزندی داشتید که تقدیم اسلام و جامعه و مملکت کردهاید، خدا را شکر گزار

حدود ۷ سال در مدرست بیسی جم برسر استادان بزرگی چون حضرت امام خمینی(ه) به کسب مراتب معنوی و تحصیل علومدینی می سردازد و با توجه به روشنگریها و افشاگریهای بنیان گذار انقلاب اسلامی اقشا فری های پنیان شدار افسارب اسلامی ایران، فعالات به مبارزه علیه رژیم ستمشاهی برمی خیزد و در همین رابطه چندین بار توسط ساواک ددستگیر، زنانی و شکنجه می شود. مبارزات ایشان تا سال ۴۲ و حمله کماندوهای شـــآه به فيضيّه، ادامه يافته، روز حملــه گارد به نساه به فیومیه ادامه یافته، روز حصله کارد به فیضیه بانیروهای گاردد کر می شود شب بعدار محر و آمد: خیلی مضطرب بود چون جوان شبخاع و پی باکی بیدود و هیچ که دیده نشده بود که خوف و ترسی داشته باشدالم آن روز آن قدار از کماندوها چیپ خوره بود که حالت گرده و شعد کامت باشدالمات نامه یافتدا بخوابد و نُهمی توانست خود را کنترل کند. پس از جریان حمله کماندوها به مدرسهفیضیه، یک رُوز با همان وضع بهشدت آسیب دیده در قم ماند. فردای آن روز سایر طلبهها چون می دیدند که اگر با این وضع در قم بماند از بین می رود چاره ا در با این وضع در هم بهاسداز بین می رود چاره کار را در آن دیدند که سیدیونس را به قزوین که نزدیکترین شهرستان به زادگاهش هست بفرستند تا بهوسیله اشتنایان و نزدیکانی که در آنجا دارد ترتیب در مان او توسط پزشکان در قزوین داده شیود. یکی، دو نفر از طلاب داوطلب مىشوند، سىيديونس را تا قزوين همراهى كنند می سوده، سیمایونس را ۵ تروین معراهی عند ولی ایشان نمی پذیرد و ترجیح می دهد که به تنهایی قم را به مقصد قزوین ترک کند. پس از رسیدن به قزویس در اُنجا . سوی رودبار رهسپار میشود. از مراجعت او به زادگاهش، چند روزی بیشتر سپری نشده بود که صدمات وارده کار خودش را می کند و سیدیونس دارفانی را وداع گفته و به لقای پروردگار خویش میشتابد. پیکر مبارکـش در گلــزار امامزاده حسین آغوزبن(رودبار) زیارتگاه رهروان راه خدا میشود. پس از شهادت سیدیونس، خانواده او به دیدار امام خمینی(ره) نایل میشوند. امام پس از یر در سایت و تفقد و اظهار همدردی چون پدر شهید سیدیونس را در حال گریه مشاهده می کند به ایشان می فرماید: این گریه مال شما نی 



سُــُديمُ ديديم وســط خيابانُ كماندوهاى جُانى رژيمُ نه دسته پشت سر هم نشسته اند و با در دست داشتن .ی. بلندگو بلند شد: مردم بر گردید چندبار که تکرار کرد عزترجبی اهل پیشوا، جوان رشیدو شجاع رادیدیم که قمه در دست داردواحتمال كندن پيراهن رامي دهم كه لخت شده بودو آتش وار به دسته منظم كماندوها حمله کر د و حدود پنجاه متر مانده بود که تیری به سینهاش ردو نقش بر زمین شُدو کماندوها حملهو شدند اولُ مقداري تيرُ هوايي رها كردند جُمعيت كُ ۱۰۰درصد متفرق نشدند آنها با مسلسلی که گوشه خیابان کار گذاشته بودند، مردم را به رگبار بستند تعدادى روى زمين ريختندو عدماى هم فرار كردندو أنها سکنه،صحنه آتش و خون بود من که دلبس

## ماجرای15خرداداززبانبازماندگانورامینی

داشتم و نمى توانستم فرار كنم، هرچه خواستما: ريخته شده بود و چهرهاش زرد شده بود بد شناخته شد دقت کردم دیدم چراً در این هنگام یک دسته صحنه بیرون بروم، نشد. کنار دست چپ خیابان ایســـتادم و نظاره گر بودم یک وقت متوجه شــدم که یی دیگر از کماندوهار ادیدم که پورش بردند بهسوی مردم، منِ ناچار به جای اولم کنار خیابان دست چپ فرار کردم. ەســوىمُن تيراندازى مىشــُودناچار خــودراروى نهابه هر زخمی که می<sub>ر</sub>ســیدند با سر نیزه که نوک زمین انداختم و دراز کشــیدم. چنــد دقیقه بعد بلند تفنگشان بود بدن های پاک انقلابیون را پاره می کردند و دست در جیبهای آنهامی کردندو موجودی یااشیای شُدم تصمیم گُرفتُم اگر می توانم شهدا یا زخمی ها را کنار جاده بیاورم و به بیمارستان و جای امنی برسانم، ر در دخور آنها را سـرقت می کردند. پـساز یورش در پایین زمین فعلی سبزی خشـککنی جمع شـدند و برای سلامت شاهنشاه آریامهرشان صلوات فرستادند و متاسفة فشد -----همین کهجلوآمدم دیدمآقای حاجمحمدعلی رضایی

همین تجونومنده دیدم اوای کاچ محمدعی رضایی و حاج حسن تاجیک که هردوی آنها معلم هستند نزدیک جسدی ایستادهاند به من گفتند: فلانی این جسد امیر هوشنگ نیست؟ چون خون قلبش به زمین

بوده و اکنون هم همین طور است. مردم بیش از حاکمیتشان، نخبه هایی که از

جنس خودشان هســتندرامورداعتماد

. خودمیداُنند. یکی از مهم تُرین ُانگیزهها

برای مردم در سـالهای انقــلاپ، رهبر

بری طرحه در مصان می کند. دینی شان بود که از امام خمینی(ره)الهام می گرفتند و برای او داوطلبانه هر اقدامی

آیا به انقـــلاب دایمـــی معتق باز آفرینی|رزش هاچطور؟

رر. این که تفکری انقلابی را به همراه داشته

ی که دُر توان داشتند، انجام می دادند. این شعار واحد و رهبری دینی و اقدامات داوطلبانه مردم

باعثشُد كه يكُانقُلاب به وقوع بپيوندد. آيا به انقلاب دايمسي معتقديد؟ پويايسي انقلاب و

این سوال دو معنی را باخود به همراه داردیکی این که اسماهمواره اعتقاد دارید تا در زندگی شخصی تان و در

امور جامعه قصدانقلاب يا به وجود آوردن آن را داشته يا

این طرز تفکر از محسنات یک فردمی تواند قلمداد شود. این طرز تفکر از محسنات یک فردمی تواند قلمداد شود.

ین کرد زیرا نسبت به هر رویدادی و تفکری در طول زندگیاش می تواند منتقد باشد و مانع از نشستن گرد و غبار روی

ذهن فرد شــود و البته شــرط این پویایی این است که ىاى خودرا در زمان ھاى بع

----- و سارت ی بودر موسی سرت بست. امام خمینی(ره) یکی از آن کسانی بسود که همواره باعث پویایی و تازه ماندن انقلاب اسسلامی می شد و

. ارها واهداف آنموقع را فراموش نمی کرد.

داشته و شعار های خودر افر اموش نکر ده باشد.

امير آمدم كه شايد بتوانم اورا به ماشيني برسانم از طرف میابان ورامین تهران ماشـــینی پیدا شد فکر کردم که ماشين شخصي است. جلوى او دويدم و دست بلند كردم وســط خیابان توقف کرد. چند نفر که احتمالا نظامی ودند، پایین آمدند بافحاشی و کتک فراوان مرا پذیرایی ر بیسی . کردند و بردند داخل ماشین جلوی پاسگاه باقرآباد. بهدست ژاندارمی که با من آشنا بود، نجات پیدا کردم و مرابهورامين آوردند

. در میدان ورامین، سردمداران رژیم و رئیس شهربانی وسرهنگ حسن بهزادی که تا آن روز اوراندیده بودم، ایستاده بودند سرهنگ حسن بهزادی با هفت تیر بهسوی مردم که در دایره میدان جمع شده بودند، . تیراندازی کردوبعدهم عازم پیشواشد البته به مناسبت شهادت امیر، مجلس بزرگداشتی بر پاکردیم، ولی این از خدابي خبرها چند مرتبه مجلس مارا تعطيل كردندو پیراهن مشکی را از تن ما خارج کردند و مجلس را به هم

